

آزمایشگاه زبان

تدریس با الگوی استقرایی

الگوی استقرایی موجب می‌شود شاگردان اطلاعات را گرد آورند، از نزدیک آن‌ها را بررسی کنند و به شکل مفاهیم سازمان دهند و یاد بگیرند که آن مفاهیم را کنترل کنند. در این الگو، بر شاگردان به عنوان مفهوم‌سازان طبیعی تأکید می‌کنیم.

این الگو مراحل روشن دارد، در آن عکس‌العمل معلمان با گام‌ها هماهنگ است و نظامی معلم محور و مبتنی بر همکاری معلمان دارد. این نظام سه مرحله‌ای است:

مرحله اول تکوین مفهوم است که خود سه جزء دارد:

برشماری و فهرست‌گیری، گروه‌بندی، عنوان‌دهی و مقوله‌بندی.

مرحله دوم تفسیر داده‌هاست که خود عبارت است از تعیین روابط شاخص، کشف

روابط و استنباط.

مرحله سوم کاربرد اصول است که در آن به پیش‌گویی نتایج و فرضیه‌سازی همراه

با توضیح و تصدیق پیش‌گویی‌ها پرداخته می‌شود.

استفاده از این الگو سبب می‌شود دانش‌آموزان اطلاعات را گردآوری و به دقت بررسی کنند. پس از آن اطلاعات را به مفاهیم تبدیل می‌کنند و کار کردن با مفاهیم را می‌آموزند. چنانچه از این الگو به طور مستمر استفاده شود، دانش‌آموزان قابلیت تکوین مفاهیم کارآمد را فرامی‌گیرند و زوایای دید آن‌ها برای دریافت اطلاعات وسعت می‌یابد.

بعضی از آثار این الگو عبارت‌اند از: کمک به تفکر منطقی و پرورش روحیه کاوشگری دانش‌آموزان؛ آگاهی یافتن از ماهیت دانش و مفاهیم و نظام‌های مفهومی؛ درگیر شدن دانش‌آموز با اطلاعات؛ آموختن فرضیه‌سازی و آزمون فرضیه.

اجرای نمونه تدریس اسامی قابل شمارش

معلم روی یک میز در وسط کلاس انواع و اقسام مواد و کالاها را قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که میز حداقل شامل ۲۰ نوع جنس شود. البته مواد باید از دو گروه مواد شمردنی و غیرشمردنی باشند؛ از جمله مایعات و مواد کشیدنی مانند برنج یا غلات. دانش‌آموزان هم می‌توانند در تهیه مواد سهیم باشند.

دانش‌آموزان به کنار میزی که حاوی این اجناس است فراخوانده می‌شوند. معلم بچه‌ها را به واریسی کالاها دعوت می‌کند. بچه‌ها با ذوق و شوق شروع به بررسی و صحبت درباره مواد گوناگون می‌کنند. معلم نظر آن‌ها را به این موضوع جلب می‌کند که هنگام خرید چگونه باید کالایشان را انتخاب کنند. برای مثال، شیر، برنج یا یک جعبه شکلات را چگونه می‌خرند.

دانش‌آموزان با بحث و گفت‌وگو برای ادامه درس انگیزه کافی کسب می‌کنند. معلم به شاگردان می‌گوید هر کدام یک کالا بردارند و در جای خود بنشینند. یکی از شاگردان کارتهایی بین بقیه پخش می‌کند که شامل دو مجموعه است: کارتهایی با اسامی کالاها؛ کارتهایی با اسامی مقیاس‌های متفاوت.



در این الگو، بر شاگردان به عنوان مفهوم سازان طبیعی تأکید می کنیم



معلم از بچه‌ها می‌خواهد با نام کالایی که در دست دارند یک جمله بسازند. جمله‌ها روی تخته کلاس نوشته می‌شوند. همه در مورد آن‌ها با هم بحث و در مورد درستی آن‌ها با یکدیگر تبادل نظر می‌کنند.

اشتباهات بچه‌ها بررسی و تصحیح می‌شود. سپس از آنان خواسته می‌شود کالاها را با یکدیگر عوض کنند و در گروه‌های دو یا سه نفره برای کالاهای خود جمله بسازند و آن را یادداشت کنند. بدین گونه هر گروه تمامی کالاها را می‌بیند و برایشان جمله می‌سازد. در این اثنا، معلم به گروه‌ها سر می‌زند و در ساخت جملات با آن‌ها شریک می‌شود. در همین حین کار دانش‌آموزان را ارزشیابی می‌کند.

پس از آن از شاگردان می‌خواهد با مطالعه جملات سایر گروه‌ها، به مقیاس‌هایی که دوستانشان به کار برده‌اند دقت کنند. سپس شاگردان بسته کارت حاوی مقیاس‌ها را باز می‌کنند و مقیاس‌های مناسب را با کارت‌های اسامی کالاها جور و روی میز مرتب می‌کنند و معلم نیز همراه با آنان بازخورد مناسب را به آن‌ها می‌دهد.

حال معلم از شاگردان دعوت می‌کند در مورد مقیاس‌های متفاوت و مناسب هر کالا با هم گفت‌وگو کنند و توجه داشته باشند که برای هر کالا چند مقیاس متفاوت می‌توانند به کار برند. یا کالاها از این لحاظ چه تفاوت‌ها و اشتراکاتی با هم دارند. بدین ترتیب، بچه‌ها حاصل تبادل نظرات خود را یادداشت می‌کنند و نوشته‌های خود را در اختیار گروه‌های دیگر می‌گذارند. سپس معلم جدول را به شاگردان می‌دهد که در آن به طبقه‌بندی اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش بپردازند و نیز مقیاس‌های مناسب آن‌ها را به کار گیرند. او در حین فعالیت دانش‌آموزان، به طور دائم با آنان تبادل اطلاعات می‌کند اما همواره از دادن پاسخ مستقیم به آن‌ها می‌پرهیزد. در مورد استفاده متفاوت از مقیاس‌ها برای اسامی متفاوت با شاگردان خود گفت‌وگو می‌کند تا مطمئن شود که اکثریت برای طبقه‌بندی اسامی مشکلی ندارند و درس را به طور کامل فرا گرفته‌اند.

در انتها از دانش‌آموزان خواسته می‌شود در جلسه آینده جدول‌ها را کامل کنند؛ به نحوی که هر ۴۰ کالا با مقیاس خود در آن به درستی قید شده باشد. آن‌ها باید جدول‌های خود را در اختیار سایر شاگردان قرار دهند تا هم گنجینه لغت دانش‌آموزان گسترش یابد و هم آنان با اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش و نیز اسامی خاص بیشتری آشنا شوند. آنگاه برای اجناسی که قابل خوردن هستند نمایشی ترتیب داده می‌شود؛ شبیه به فضای یک فروشگاه. معلم در نقش فروشنده ظاهر می‌شود و دانش‌آموز در نقش خریدار باید سؤال و کلمه مناسب شمارش آن شیء را بگوید تا بتواند مقداری خوراکی دریافت کند. به این ترتیب، می‌توان خوراکی‌ها را به نحو بسیار مفیدی بین شاگردان قسمت کرد. با این کار، انگیزه کافی برای مشارکت به دانش‌آموزان داده می‌شود و بچه‌ها با این نمایش خوش مزه کلاس درس را با طعم لذت‌بخش خوراکی‌ها و یادگیری پایداری از اسامی قابل شمارش و غیرقابل شمارش به پایان می‌رسانند.

منابع

۱. بروس جویس، امیلی کالهن و مارشاولیل (۱۳۸۴). الگوهای جدید تدریس ۲۰۰۴. ترجمه دکتر محمدرضا بهرنگی. انتشارات کمال تربیت. تهران.
 ۲. بروس جویس، دیوید هاپکینز و امیلی کالهن (۱۳۸۸). الگوهای یادگیری ابزارهایی برای تدریس. ترجمه دکتر محمود مهرمحمدی و دکتر لطفعلی عابدی. انتشارات سمت. تهران.
 ۳. میرولوحی، سیدحسین (۱۳۸۲). کلیات علم تدریس. انتشارات دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی. تهران.
4. www.microsoft.com/education/lessonplans/rectangularpatterns. msp#EZB

